



## اهداف و راهبردهای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران

### در گام دوم انقلاب اسلامی

مسعود مطلبی<sup>۱</sup>

۴

دوره ۲، شماره ۱، پیاپی ۴  
بهار ۱۴۰۵

#### مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴/۱۰/۱۴

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۱۲/۰۶

صص: ۲۳-۷

شابک الکترونیکی: ۳۱۱۵-۸۸۶۲



DOI: 10.22034/sysssir.2026.735056

**استناد:** مطلبی، مسعود (۱۴۰۵). اهداف و راهبردهای دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی،

پژوهش‌های راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، ۲(۴)، ۷-۲۳.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

## مقدمه

دیپلماسی دفاعی، بخشی از قدرت ملی یک کشور است که در کنار سیاست خارجی، منبع اعمال قدرت برای ارتقای ظرفیت اقدام و کنش یک کشور در روابط خارجی را شکل می‌دهد. این دیپلماسی نه تنها ناظر بر کاربست سیاست دفاعی در عرصه دیپلماسی بلکه تضمین سهم شدن دیپلماسی در حوزه سیاست دفاعی خواهد بود. در حقیقت پیوند فعالیت‌های دفاعی و نظامی با فعالیت‌های دیپلماتیک می‌تواند یک ابزار به هم پیوسته و عظیم قدرت ملی را به نمایش بگذارد. از طرفی، کاربست دیپلماسی دفاعی هم در زمان صلح و جنگ و هم جهت پیشگیری از درگیری و حتی استفاده از ظرفیت‌های محیط بین‌المللی در تقویت توانمندی‌ها و اثرگذاری‌های زمان جنگ (از جمله تأمین نیازهای آمادی نیروهای مسلح) نیز کارا خواهد بود. بر این اساس دیپلماسی دفاعی برای جمهوری اسلامی ایران، راهبردی در جهت تقویت تلاش‌های بخش دفاع در حوزه روبنایی در روند بازسازی ساختار دفاعی کشور است. در این راستا و در گام دوم انقلاب اسلامی، اهداف و راهبردهای دیپلماسی دفاعی بایستی به گونه‌ای تنظیم شود که تضمین کننده فهم محیط امنیتی پیرامونی، درک عمیق جایگاه ایران، نظریه‌پردازی و مفهوم‌سازی برای ایجاد گفتمان در جهت تقویت توانمندی‌ها و ظرفیت‌های دفاعی کشور متکی به تسلط بر واقعیات جهانی و گفتمان‌های رایج در این حوزه بالنده از دانش سیاست جهانی باشد. با توجه به این مهم و در گام دوم از انقلاب اسلامی، دیپلماسی دفاعی کشور نقشه راهی متناسب با دوران جدید را در اهداف و راهبردهای خود پیش رو می‌بیند که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

## ۱. تأملات نظری

برای مدت زمان بسیار طولانی این باور رایج بود که «دیپلماسی»، اولین خط دفاع و «دفاع»، آخرین خط دیپلماسی است. بر این اساس، دیپلمات‌ها وظیفه‌ی اصلی را در تأمین منافع و امنیت ملی یک کشور بر عهده داشتند و نظامیان تنها باید زمانی وارد عرصه‌ی دیپلماسی می‌شدند که همه‌ی روش‌های غیرنظامی به شکست انجامیده باشد. از اینرو، میان دیپلماسی به عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست خارجی و دفاع به عنوان اصلی‌ترین ابزار سیاست دفاعی، خط و مرز مشخصی وجود داشت و ورود حوزه‌ی دفاعی و نظامی در عرصه‌ی دیپلماسی اغلب با بی‌اعتمادی دیپلمات

ها نسبت به این امر همراه بود. این همان رویکرد سنتی به موضوع جنگ و دفاع بود که در تمامی قرن نوزدهم و ابتدای قرن بیستم بر روابط بین‌المللی حاکم بود (قهرمانپور، ۱۳۸۵: ۲).

در عصر حاضر و در عرصه جدید سیاست بین‌الملل، با فراهم شدن زمینه همکاری‌های مختلف میان کشورها در حوزه نظامی و دفاعی، خط سیر جدیدی برای فعالیت حوزه دفاع در عرصه دیپلماسی تعریف شده است. به نحوی که هر روز بیش از پیش سخن از «دیپلماسی دفاعی» به میان می‌آید. اصطلاح دیپلماسی دفاعی را اولین بار صاحب‌نظران بریتانیایی از سال ۱۹۹۸ وارد ادبیات روابط و سیاست بین‌الملل کردند. دیپلماسی دفاعی بر اساس الگوی مفهومی تعریف شده در وزارت دفاع انگلستان، ناظر بر تأمین نیروهای مسلح لازم برای وزارت دفاع به منظور انجام اقدام‌های مختلف محوله دائر بر رفع خصومت، اعتمادسازی و همکاری و کمک به ایجاد یک نیروی مسلح مسئول و دموکراتیک است (Uk, 1998:3). همانگونه که پیداست، نخست آنکه، گستره مؤلفه‌های این مفهوم فراتر از دفاع سرزمینی یا مقابله به تهدیدهای سخت از راه قدرت سخت بوده، بر اموری مانند زمامداری خوب، اصلاحات دموکراتیک در اجتماع و نیروهای مسلح، بازرنگری در روابط بخش‌های نظامی و غیرنظامی و بازسازی نیروهای پلیس و ضابطان قضایی بر اساس حاکمیت قانون (انعامی علمداری، ۱۳۸۵: ۹۷-۹۶) و حتی حقوق بشر (کوتی و فورستر، ۱۳۸۵: ۱۱۷) و نیز که نهادها و تأسیسات امنیتی و حقوقی عصر حاضر در تفکر غرب هستند، تعمیم یافته است. دوم آنکه، محوریت هدایت و سیاستگذاری این دیپلماسی در مجموعه وزارت دفاع آن کشور مستقر است. سوم آنکه، دیپلماسی دفاعی دارای دو محیط اثرگذاری ملی و بین‌المللی است. بازسازی روابط نیروهای مسلح با بخش غیرنظامی، «جنبه درونی و» اعتمادسازی بازدارنده از خصومت، «جنبه بیرونی» آن را تشکیل می‌دهد (ساعد، ۱۳۸۹: ۶۵).

به نظر می‌رسد که مفهوم دیپلماسی دفاعی به لحاظ نظری، بسط و توسعه نیافته است. بر این اساس مفهوم «دیپلماسی دفاعی» عبارت است از: انجام مذاکرات و ایجاد روابط بین ارتش‌ها، توسط دیپلمات‌های نظامی که هدف از آن تأثیرگذاری بر محیطی است که نیروی نظامی در آن فعالیت می‌کند (عسگری و دیگران، ۱۳۹۲: ۲) البته در تعریفی دیگر دیپلماسی دفاعی عبارت است از: فعالیت‌هایی مانند انجام گفتگوهای امنیتی و راهبردی، واردات و صادرات تسلیحات و تجهیزات نظامی، دفاعی و نظایر آن از سوی ارتش‌های کشورها (Shea, 2005: 33).

البته دیپلماسی دفاعی به عنوان مکمل دیپلماسی سیاسی، مقوله‌ای است که به طور عمده از سوی سازمان دفاعی کشورها مورد پیگیری واقع می‌شود. این سازمان‌ها تلاش دارند با استفاده از ظرفیت‌های سخت/ نرم‌افزاری این مقوله، تعاملاتی را با بازیگران بیرونی برای تأمین بهتر منافع ملی و بهبود شاخص‌های امنیت ملی برقرار کنند. فهم درست دیپلماسی دفاعی مستلزم توجه به رابطه بین نیروی نظامی و سیاست است. در بیانی دقیق‌تر دیپلماسی دفاعی، مفهوم و عملی است که حکایت از درک نفوذ و کارآیی ارتش (نیروی نظامی) و فعالیت‌های نظامی فراسوی کار ویژه اصلی آن یعنی جنگ و دفاع و همچنین درک پیوند الزامی بین نیروی نظامی و دیگر عناصر قدرت ملی دارد، البته پیوند بین فعالیت‌های نظامی، دیپلماتیک، اقتصادی، اطلاعاتی و دیگر عناصر قدرت ملی از ابتدا مورد اذعان نظریه‌پردازان و دست‌اندرکاران نظامی و سیاسی بوده است.

دیپلماسی دفاعی در هر کشور بر اساس سنت‌های سیاسی و راهبردی آن کشور شکل می‌گیرد. در دوران قبل از جنگ جهانی دوم، حوزه‌های دیپلماتیک و راهبردی از یکدیگر جدا بوده و هر مجموعه، کارویژه خاصی را عهده دار بود. این وضعیت در دوران جدید تغییر یافته است. از یکسو، نظامیان در حوزه‌های سیاسی ایفای نقش می‌کنند و از سوی دیگر، شاهد فعال شدن مجموعه‌های سیاسی، پژوهشگران و دانشگاهیان در طرح ریزی دفاعی و راهبردی هستیم. همکاری حوزه‌های یاد شده، نشانه‌هایی از تداخل سازمان یافته را به نمایش می‌گذارد. به عبارت دیگر، دیپلماسی دفاعی را می‌توان انعکاس «پیوند اندام واره» حوزه‌های دفاعی و دیپلماتیک برای امنیت‌سازی دانست (متقی، ۱۳۸۵: ۱۷).

می‌توان هدف‌های همچون دستیابی به تکنولوژی و تجهیزات دفاعی مورد نیاز؛ شفافیت و کنترل تسلیحاتی؛ فروش محصولات صنایع دفاعی و کسب منافع اقتصادی و با ثبات‌سازی محیطی - امنیتی را جزء اصلی‌ترین اهدافی دانست که هر کشوری باید در فرایند دیپلماسی دفاعی به دنبال آن باشد. دربیانی دقیق‌تر هدف از دیپلماسی دفاعی، حمایت از منافع ملی نظیر حفظ یا برقراری محیط امنیتی صلح‌آمیز، نوسازی شیوه نظامی و تقویت نفوذ در دیگر کشورهاست که بر ایند بارز آن، بازدارندگی است. هنر دیپلماسی دفاعی نیز آن است که با استفاده از منابع محدود، دستیابی به منافع ملی را به حداکثر برساند و بتواند سهم مناسبی از منابع ملی را به کشورهایی اختصاص دهد که از قابلیت راهبردی لازم برای اثرگذاری بر محیط منطقه‌ای برخوردارند (Corcoran, 2003: 183).

## ۲. گام دوم انقلاب اسلامی و دیپلماسی دفاعی

جمهوری اسلامی ایران از سال ۱۳۵۷ تاکنون و به مدت چهار دهه با دسیسه‌های خارجی با هدف تجزیه و گسست تمامیت سرزمینی، هشت سال جنگ با هزینه‌هایی چشمگیر، تحریم‌هایی بی‌سابقه در عرصه اقتصادی و تجاری و حملاتی بی‌وقفه در عرصه‌های سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی و رسانه‌ای - تبلیغاتی مواجه بوده است. به رغم تشدید و گسترش اقدامات خصمانه علیه جمهوری اسلامی ایران، اوضاع با چهل سال پیش تفاوت‌هایی اساسی یافته است.

رهبر انقلاب در بیانیه‌ای به تاریخ بیست و دوم بهمن ماه ۱۳۹۷ و با عنوان گام دوم انقلاب خطاب به ملت ایران، چنین ترسیمی از مختصات فضای کنونی ارائه داده‌اند: «ایران مقتدر، امروز هم مانند آغاز انقلاب با چالش‌های مستکبران روبه‌رو است اما با تفاوتی کاملاً معنی‌دار. اگر آن روز چالش با آمریکا بر سر کوتاه کردن دست عمال بیگانه یا تعطیلی سفارت رژیم صهیونیستی در تهران یا رسوا کردن لانه جاسوسی بود، امروز چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. اگر آن روز، مشکل غرب جلوگیری از خرید تسلیحات ابتدایی برای ایران بود، امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است. و اگر آن روز گمان آمریکا آن بود که با چند ایرانی خود فروخته یا با چند هواپیما و بالگرد خواهد توانست بر نظام اسلامی و ملت ایران فائق آید، امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد. ایران به برکت انقلاب، اکنون در جایگاهی متعالی و شایسته ملت ایران در چشم جهانیان و عبور کرده از بسی‌گردنه‌های دشوار در مسائل اساسی خویش است.»

با توجه به جمیع شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی که جمهوری اسلامی ایران و در پنجمین دهه حیات خود با آن روبرو است؛ دیپلماسی دفاعی کشور نقشه راهی متناسب با دوران جدید را در اهداف، راهبردها و الزامات خود پیش رو می‌بیند که در ذیل بدان پرداخته می‌شود.

## ۲-۱. اهداف

۱-۲. مدیریت حوزه‌های امنیتی در راستای به سازی و بهبود محیط امنیتی: پایه و ستون شریعت اسلام را صلح، رحمت و عدم خشونت تشکیل می دهد. قرآن عظیم الشان و سنت پیامبر اسلام (ص) بر اصل صلح و رفتار مسالمت آمیز تاکید نموده و همه هدایتش بر این اصل نیز استوار است. قرآن مجید در اولین پیام خویش اعراب جاهلیت را که با جنگ و خونریزی عادت کرده بودند، به صلح دعوت نموده و خطاب به آنان می فرماید: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ چنان چه برای صلح آغوش گشودند، تو نیز برای صلح آغوش بگشای» (آیه ۶۱، سوره انفال). دین اسلام حتی در میدان جنگ و نبرد هم خواهان صلح و آشتی است: «وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا؛ به آن که با شما از در آشتی و تسلیم درآید مگویید که بی ایمان هستی» (آیه ۹۴، سوره نسا). آنچه‌آنکه در آیات ۶۱ سوره انفال و ۹۴ سوره نسا آمده است اسلام بیش از هر چیزی انسان ها را به صلح و همزیستی مسالمت آمیز دعوت می کند و آن را به عنوان یکی از مهم ترین اهداف عالی خود مطرح می سازد که تحکیم بخش، و زیربنای روابط اجتماعی است. به همین دلیل ایجاد رابطه با کشورهای اسلامی و غیر اسلامی به استثنای برقراری رابطه با کافران ستیزه جویی که دین اسلام را هدف گرفته اند مورد تشویق قرار گرفته است.

آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب نیز صراحتاً به تعامل گسترده توأم با دوستی و احترام در سه سطح روابط با کشورهای اسلامی، روابط با کشورهای دوست و روابط با کشورهای غیرمتخاصم اشاره دارند چنانکه در این زمینه می فرمایند: «ما می توانیم با دنیا ارتباطات وسیع و گسترده‌ای داشته باشیم، هم به ملت ها و دولت های دیگر کمک کنیم، هم از کمک آن ها بهره‌مند بشویم؛ حیات اجتماعی بشریت این جور پیش می رود: همکاری، همدلی، همراهی، تعامل با دنیا؛ اقلیم ما، جغرافیای ما، امکانات فراوان ما، این را برای ما آسان می کند» (بیانات در مراسم اعطای حکم تنفیذ ریاست جمهوری به روحانی، ۱۳۹۶/۵/۱۲). همچنین بر اساس منطق همزیستی مسالمت آمیز، کشورها در عین حفظ هویت و پیگیری اصول و منافع ملی خود هویت و منافع دیگران را به رسمیت شناخته و با پرهیز از مطلق انگاری سیاسی تلاش می کنند هویت خود را نه بر پایه کشمکش با دیگران بلکه بر مبنای منافع مشترک و همسانی با آن تعریف کنند (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۳۶۷-۳۶۶).

در فرایند مدیریت حوزه‌های امنیتی مهمترین اقدام دیپلماسی دفاعی در همکاری با کشورها می‌تواند بر موضوعاتی چون آموزش نظامی، اعزام وابسته نظامی، انعقاد پیمان‌های دفاعی، انجام رزمایش‌های مشترک، انتقال فن‌آوری‌های نظامی و تسلیحاتی، انعقاد پیمان‌های عدم تجاوز، همکاری‌های علمی و فنی نظامی و دفاعی، پیشگیری و حل و فصل چالش‌ها و منازعه‌ها، حضور در پیمان‌های امنیتی و در سطح بین‌المللی، حضور در عملیات‌های حفظ صلح سازمان ملل متحد، تشکیل نهادهای دفاعی بین‌المللی، ایجاد و پیوستن به معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات و ایجاد سازوکارهای نظارتی مؤثر بر حقوق بین‌المللی بشردوستانه نام برد (جعفری، ۱۳۹۸: ۷۷-۷۶).

در مجموع برقراری روابط و تعاملات مناسب دفاعی بین سازمان‌های دفاعی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود محیط امنیتی کشورها دارد. بسط و تعمیق این روابط می‌تواند تغییراتی جدی در محیط پیرامونی ایجاد کند. به خصوص که شفاف‌سازی و درک متقابل، پیوندی ناگسستگی با اعتمادآفرینی دارند.

۲-۱-۲. شفافیت، خلع سلاح و کنترل تسلیحات: یکی از اصلی‌ترین هدف‌های دیپلماسی دفاعی می‌تواند نقش‌آفرینی آن در شفافیت و کنترل تسلیحاتی باشد. برای جمهوری اسلامی ایران که از جمله بازیگران پیشرو در حمایت از هنجارهای برابر و جهانشمول خلع سلاح کشتارجمعی است، خلع سلاح و کنترل تسلیحات از محورهای مورد تأکید در راستای تحقق هدف‌ها و کارویژه‌های دیپلماسی دفاعی محسوب می‌گردد؛ به گونه‌ای که حضور و نقش فعال در نهادهای تأثیرگذار بر این فرایند و دفاع از حقوق کشورهای در حال توسعه، استقرار نظام برابر و جهانشمول خلع سلاح بر پایه مذاکره و تفاهم، در اسناد راهبردی ملی و مواضع مقامات عالی کشور، همواره مورد تأکید قرار داشته است.

دیپلماسی خلع سلاح و کنترل تسلیحات، ضمن تعمیق دیپلماسی دفاعی در قبال روند افزایش تهدید ناشی از برنامه‌های تسلیحاتی غرب و بقای زرادخانه‌های کشتارجمعی آن‌ها، بر ارتقای بازدارندگی متعارف تأکید داشته، زمینه‌های گفت‌وگو، رایزنی، شفاف‌سازی و ایجاد اعتماد را در رابطه با کارکردها و چارچوب‌های برنامه‌نظامی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد و به تأسیس سازوکارهای بررسی مشترک و تفاهم درباره شیوه‌های اجرای تعهدهای بین‌المللی مرتبط با آن به شکل دو و چندجانبه خواهد انجامید. گفتنی است که

رایزنی و تفاهم، از جمله سازوکارهای پیش بینی شده در معاهده های بین المللی ناظر بر سلاح های کشتار جمعی بوده و این فرصت برای کشور وجود دارد تا ضمن ایجاد زمینه های تشکیل کارگروه های مشترک دو و چند جانبه هم در داخل و هم خارج از سازمان ها و ترتیبات بین المللی خلع سلاحی، از دیپلماسی و گفت و گو به منظور مقابله با ایران هراسی و همچنین ارتقای ظرفیت های همکاری بین المللی دفاعی بیشترین بهره برداری را به عمل آورد (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۲).

دیپلماسی دفاعی بواسطه اعتماد سازی میان دولت ها از طریق ایجاد شفافیت بیشتر در عرصه های نظامی، مخالفت با تولید، انباشت و گسترش سلاح های کشتار جمعی، پیوستن به معاهدات خلع سلاح و کنترل تسلیحات می تواند راهکاری مطمئن برای گرفتار نشدن در دایره ی بی ثباتی باشد. صراحت در اعلام مواضع آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) در خصوص مصادیق سلاح های کشتار جمعی یعنی سلاح های هسته ای و شیمیایی از عوامل مؤثر و کلیدی در انتقال نیات صریح و شفاف جمهوری اسلامی ایران در حوزه ی کنترل تسلیحات به شمار می رود. چنانکه ایشان در دیدارها و مناسبت های مختلف در این زمینه چنین می فرمایند که: «جمهوری اسلامی ایران استفاده از سلاح هسته ای و شیمیایی و نظائر آن را گناهی بزرگ و نابخشودنی می داند. ما شعار «خاورمیانه ی عاری از سلاح هسته ای» را مطرح کرده ایم و به آن پایبندیم. این به معنی چشم پوشی از حق بهره برداری صلح آمیز از انرژی هسته ای و تولید سوخت هسته ای نیست. استفاده ی صلح آمیز از این انرژی، بر اساس قوانین بین المللی، حق همه ی کشورها است... طنز تلخ روزگار ما آن است که دولت آمریکا که دارنده ی بیشترین و مرگبارترین سلاحهای هسته ای و دیگر سلاح های کشتار جمعی و تنها مرتکب به کارگیری آن است، امروز می خواهد پرچم مخالفت با اشاعه ی هسته ای را به دوش بگیرد! آن ها و شرکای غربیشان رژیم صهیونیستی غاصب را به سلاح های هسته ای مجهز کرده و برای این منطقه ی حساس، تهدیدی بزرگ فراهم کرده اند؛ اما همین مجموعه ی فریب گر، استفاده ی صلح آمیز از انرژی هسته ای را برای کشورهای مستقل برنمی تابند و حتی با تولید سوخت هسته ای برای رادیوداروها و دیگر مصارف صلح آمیز انسانی، با هرچه در توان دارند، ستیزه گری می کنند. بهانه ی دروغین آنان، بیم از تولید سلاح هسته ای است. در مورد جمهوری اسلامی ایران، آنان خود می دانند که دروغ می گویند؛ اما سیاست ورزی، آنگاه که کمترین اثری از معنویت در آن نباشد، دروغ را هم

مجاز می‌شمرد. آیا آن که در قرن بیست‌ویکم زبان به تهدید اتمی می‌گشاید و شرم نمی‌کند، از دروغگوئی پرهیز و شرم خواهد کرد؟! من تأکید می‌کنم که جمهوری اسلامی هرگز در پی تسلیحات هسته‌ای نیست، و نیز هرگز از حق ملت خود در استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای چشم‌پوشی نخواهد کرد. شعار ما «انرژی هسته‌ای برای همه، و سلاح هسته‌ای برای هیچکس» است.» (بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۱۳۹۱/۶/۹). مقام معظم رهبری همچنین در در دیدار مردم آذربایجان شرقی چنین بیان می‌کنند که «اعتقاد داریم سلاح هسته‌ای جنایت علیه بشریت است. ما نمی‌خواهیم سلاح هسته‌ای درست کنیم؛ نه به خاطر اینکه آمریکا از این ناراحت می‌شود؛ عقیده‌ی خود ما این است. ما اعتقاد داریم که سلاح هسته‌ای جنایت بر بشریت است و نباید تولید شود؛ آنچه هم که در دنیا هست، باید محو شود و از بین برود؛ این عقیده‌ی ماست» (بیانات، ۱۳۹۱/۱۱/۲۸). مقام معظم رهبری نه تنها در زمینه تسلیحات هسته‌ای بلکه در باب سلاح‌های شیمیایی نیز چنین اعتقادی دارند چنانکه در این زمینه و در پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه می‌فرمایند: «به اعتقاد ما افزون بر سلاح هسته‌ای، دیگر انواع سلاح‌های کشتار جمعی، نظیر سلاح شیمیایی و سلاح میکروبی نیز تهدیدی جدی علیه بشریت تلقی می‌شوند. ملت ایران که خود قربانی کاربرد سلاح شیمیایی است، بیش از دیگر ملت‌ها خطر تولید و انباشت این گونه سلاح‌ها را حس می‌کند و آماده است همه‌ی امکانات خود را در مسیر مقابله با آن قرار دهد. ما کاربرد این سلاح‌ها را حرام، و تلاش برای مصونیت بخشیدن ابناء بشر از این بلای بزرگ را وظیفه‌ی همگان می‌دانیم.» (۱۳۸۹/۱/۲۸). بر مبنای چنین بیاناتی ایفای نقش فعال در نهادهای تأثیرگذار در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات از اقدامات اساسی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی بشمار می‌آید.

۲-۳. دستیابی به تکنولوژی و تجهیزات دفاعی مورد نیاز: یکی از اهداف مهم دیپلماسی دفاعی، تقویت قدرت نظامی کشور بواسطه فراهم کردن زمینه تأمین فناوری تجهیزات یا تسلیحات دفاعی است. بطور قطع تعلل جمهوری اسلامی ایران در دستیابی و نیز ساخت تسلیحات جدید می‌تواند منجر به خطر امنیتی شود. صنعت بومی دفاعی از پایه‌های اصلی تولید قدرت ملی و اقتدار است. تجربه ۸ سال دفاع مقدس نشان داد بدون اتکا به صنایع بومی دفاعی امکان صیانت از ایران اسلامی وجود ندارد. در سال‌های اخیر با بهره‌گیری از سرمایه‌های انسانی متعهد در قالب شرکت‌های دانش

بنیان تحولات شگرفی در توسعه صنایع بومی دفاعی کشور روی داده که موجب شگفتی ناظران شده است. صنایع بومی دفاعی می‌تواند در گام دوم انقلاب موتور پیشران پیشرفت و توسعه کشور محسوب شود. به رغم این مهم صنعت دفاعی ایران در حال گذار است و جلوگیری از تولید سلاح‌های جدید با محوریت دفاعی تهدیدی بزرگ محسوب می‌شود؛ چرا که دیگر قدرت‌های برتر نظامی جهان ضمن اینکه از نظر فن آوری نظامی از ایران جلوتر هستند به هیچ وجه از تولید سلاح‌های جدید صر فنظر نخواهند کرد (ذوالفقاری و خسروی، ۱۳۹۵: ۱۲۰). بر این اساس تعلق جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی در دستیابی به تکنولوژی و یا ساخت تسلیحات مدرن مورد نیاز می‌تواند منجر به خطر امنیتی شود.

۲-۱-۴. کسب منافع اقتصادی: یکی از دلایل گرایش برخی کشورها به دیپلماسی دفاعی، فروش محصولات صنایع دفاعی آنهاست. برخی از کشورهای صاحب فناوری بخش قابل توجهی از صادرات خود را از طریق صادرات سلاح، محقق می‌نمایند. این کشورها با فروش سامانه‌های سلاح پیشرفته، بهره‌ی مناسبی از صادرات این سامانه‌ها می‌برند و این روند رو به افزایش است. در حال حاضر بخش عمده‌ای از دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران بر محور صادرات متمرکز است تا واردات؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت بسیاری از کشورها به تجهیزات و ادوات نظامی ایران نیاز دارند تا اینکه ایران بخواهد با رفع تحریم‌های تسلیحاتی به توان و قدرت نظامی خود بیافزاید. خوشبختانه دوران اصلی شکوفایی ایران در حوزه تسلیحاتی با تحریم‌های نظامی و در کنار آن اوج گرفتن نبرد دولت‌های عراق و سوریه با گروه‌های تروریستی همراه بود که سبب شد ایران بتواند در حوزه‌های گوناگون تسلیحاتی پیشرفت‌های خود را به رخ بکشد.

در حال حاضر مهم‌ترین گروه‌های سلاح و تجهیزات تولیدی، تکاملی و یا بهینه‌سازی شده جمهوری اسلامی که می‌توان به دنبال بازارهای صادراتی برای آن بود به شرح زیر است:

- هواپیماهای جنگی مانند صائقه، کوثر، آذرخش؛
- هلی‌کوپترهای مانند شباویز، شاهد-۲۷۸ و شاهد-۲۸۵؛
- گونه‌های مختلف پهپاد مانند شاهد-۱۲۹، فُطرس، ابابیل و مهاجر۶؛
- موشک‌های بالستیک میان‌برد (مانند شهاب-۳، سجیل و عماد)، موشک‌های کوتاه‌برد (مانند شهاب-۲، فاتح-۱۱۰ و قیام-۱) و موشک‌های کروز (مانند نصر-۱، زلزال و ضد کشتی قادر)؛

- موشک‌های ضد تانک (مانند طوفان، توسن و دهلاویه و تندر)؛  
- سامانه‌ها و سلاح‌های ضد هوایی (مانند صیاد - ۱، مرصاد و باور-۳۷۳)؛  
- انواع بمب‌ها و موشک‌های هوا به زمین (مانند موشک‌های فاطر و فکور - ۹۰)؛  
- موشک‌های دریایی و ضد کشتی (مانند رعد، کوثر، نصر، نور، قادر و خلیج فارس)، اژدر (مانند حوت)، انواع قایق‌ها و ناوچه‌ها، زیر دریایی‌های کوچک (میدجت) و ناو شکن؛  
- تانک‌ها، نفر برهای زرهی و خودروهای نظامی (مانند تانک ذوالفقار، تانک سفیر و تانک مبارز)؛  
و گونه‌های مختلف راکت، خمپاره، توپ، مسلسل و سلاح‌های کوچک (خبرگزاری ایسنا، ۲۹ مهر ۱۳۹۹).

۲-۱-۵. ثبات سازی محیطی - امنیتی: دیپلماسی دفاعی سعی در جایگزین کردن تنش با ثبات دارد. این یک تئوری ثبات محور است که علاوه بر پیشبرد سیاست‌های کلان ملی، می‌تواند زمینه مناسبی برای مدیریت بحران و محیط امنیتی به شمار آید (میرزائی و همکاران، ۱۳۹۳: ۷). ثبات سازی شامل جلوگیری از بروز مناقشات و حل و فصل آن‌ها می‌شود. یک دیپلماسی دفاعی فعال می‌تواند بستر ساز همکاری، هماهنگی، درهم تنیدگی و گره خوردگی سرنوشت کشورها شود. طبیعی است در چنین شرایطی ضریب احتمال وقوع مناقشات به حداقل کاهش خواهد یافت. افزون بر این، دیپلماسی دفاعی دارای این ظرفیت است که حتی اگر منازعه‌ای رخ دهد، بتواند از راه برقراری ارتباط با طرف‌های درگیر، شرایط را برای پایان بخشیدن به درگیری فراهم کند.

به طور کلی در دنیایی که تفکر استراتژیک بر اساس امنیت نسبی قرار می‌گیرد، طبیعی است که ابزارهای تحقق امنیت، صرفاً بر اساس قابلیت‌های نظامی سازماندهی نخواهد شد. قدرت نظامی به گونه تدریجی تبدیل به یگان‌های عملیاتی برای ایفای نقش پلیس جهانی شده‌اند. به این ترتیب، دیپلماسی دفاعی را باید محور اصلی تفکر استراتژیک نوین دانست. به عبارت دیگر، به موازات قدرت سخت و نیروهای نظامی در گام دوم انقلاب اسلامی، از ابزارهایی همانند اصول و روش‌های دیپلماتیک و نیز اصول قدرت نرم (اصل نفی سبیل و عزت اسلامی، اصل التزام به پیمان‌ها و احترام به قراردادها، دفاع از کیان اسلام و مسلمانان با تأکید بر وحدت جهان اسلام، تعامل برترساز مبتنی بر احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، نفی ظلم و دفاع از مظلومان جهان، استمرار اصل «نه شرقی نه غربی»، استفاده می‌شود (پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۲۰-۱۶).

## ۲-۲. راهبردها

۳-۲-۱. بازدارندگی: استراتژی بازدارندگی برای جنگیدن به کار نمی رود بلکه به منظور حفظ صلح استفاده می شود. به عبارت بهتر از لحاظ فیزیکی، طرف مقابل را دفع نمی کند بلکه از لحاظ روانی مانع از تجاوز وی می گردد (کالینز، ۱۳۷۰: ۱۶۱). به عبارت بهتر بازدارندگی یعنی کوشش یکی برای اعمال نفوذ در دیگری تا او را از اقدام به عملی که متضمن خسارت یا هزینه ای برای اولی است باز دارد (ام‌الیوت و رجینالد، ۱۳۷۸: ۳۷۰). در این راستا دیپلماسی دفاعی، بر شناخت فرصت های محیط های بین المللی (منطقه ای و جهانی) در راستای ارتقای توان دفاعی کشور و بازدارندگی استوار است (ساعد، ۱۳۸۹: ۱۱۳). دیپلماسی دفاعی با اهمیت دادن به عنصر پیشگیری، شرایطی را فراهم می کند که پیش از هر گونه برخوردی، واحد سیاسی بتواند منافع و هدف های خود را کسب و به بهترین وجه، قدرت را در حوزه های گوناگون تقسیم کند. سیاست و رهنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی ارزش محور و باور به توان و قدرت «دفاع همه جانبه مردمی»، سازماندهی شده است. مبانی این سیاست و رهنامه، «اندیشه و باورهای اعتقادی و دینی»، «تدابیر و رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا»، «روح استقلال، خودباوری و خوداتکایی»، «فناوری های نوین»، «شرایط اقلیمی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی کشور»، «تجربیات دفاع مقدس»، «تجربیات جهان»، «ایده ها و نظریه های نخبگان دفاعی و امنیتی» و «تصوری از جنگ آینده» است.

تحقق راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در گام دوم انقلاب اسلامی و در چارچوب سیاست و رهنامه دفاعی، نیازمند ترکیبی از دو حوزه سخت و نرم است. از این رو، بخشی از ابزار تولیدی در وزارت دفاع ماهیت سخت دارند که تولید و تأمین آن، موجب شکل گیری یکی از پایه های مهم بازدارندگی می شود و تولید ابزار قدرت و ارتقای قابلیت دفاعی ایران را می توان در این حوزه مورد توجه قرار داد. در این مسیر صنعت دفاعی ایران، چون وارداتی نیست، هیچ کشوری نمی تواند آن را کنترل کند و برای دشمن نظارت ناپذیر است. روند تحولات تروریستی در منطقه خاورمیانه هم نشان می دهد که اقتدار دفاعی نخستین مزیت توسعه ای برای ایران محسوب می شود، امنیت سرمایه گذاری های دیگر را تضمین می کند و دیگر مزیت های اقتصادی در سایه این اقتدار معنا و مفهوم می یابد. و این صنعت دفاعی باید توسعه یابد، چون خداوند در قرآن فرموده است «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ

يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید! و (همچنین) گروه دیگری غیر از این‌ها را، که شما نمی‌شناسید و خدا آن‌ها را می‌شناسد! و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید، بطور کامل به شما بازگردانده می‌شود، و به شما ستم نخواهد شد! و این دستور صریح خداست (سوره انفال، آیه ۶۰).

فعال شدن مقوله دیپلماسی دفاعی در جمهوری اسلامی، ویژگی مهم فعالیت‌های بخش دفاع در روند بازسازی بنیه دفاعی کشور به‌شمار می‌آید. این بازسازی، دو جهت زیربنایی و روبنایی داشته است. در بخش زیربنایی می‌توان به تحولات ساختاری و افزایش کارکرد سازمان‌های صنعت دفاعی و ارتقای توان سخت‌افزاری اشاره کرد که امروز موجب عزت و افتخار جمهوری اسلامی ایران شده است.

در بخش روبنایی می‌توان سرمایه‌گذاری در بخش تحقیق و توسعه مطالعات دفاعی و فعال‌سازی دیپلماسی دفاعی را نام برد. سردار احمد وحیدی وزیر سابق دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در این باره می‌گوید: «وزارت دفاع در گذشته، به‌عنوان پشتیبان نیروهای مسلح، تنها در دو عرصه توان نظامی - دفاعی و رفاهی شناخته می‌شد و به واقع نقش سوم آن در امر پشتیبانی دیپلماسی نیروهای مسلح و جایگاه مهم تأثیرگذاری بر سیاست دفاعی و امنیتی کشور، مغفول مانده بود؛ اما دهه ۱۳۸۰، آغاز توجه و عمل وزارت دفاع در این عرصه است. وزارت دفاع با فعال‌سازی این عرصه توانست به دستاوردهای بسیار مهمی دست یابد و علاوه بر شکوفایی در سخت‌افزار در حوزه نرم نیز با اتکالی به قدرت ابزاری ایجادشده به صورت فعال و توانمند یاری رسان موفق و مؤثری برای سیاست خارجی کشور شد. از جمله این دستاوردها در حوزه‌های راهبردی می‌توان حضور و تأثیرگذاری بر کنوانسیون‌های خلع سلاح، توسعه روابط با کشورهای مهم منطقه ای آمریکای لاتین، آفریقا و شرق آسیا و اختصاص سهم قابل توجهی از صادرات به بخش دفاعی را نام برد. این روند امروز موجب بهبود موقعیت و قدرت مانور کشور در عرصه بین‌الملل گردیده است.» (وحیدی، ۱۳۸۹: ۱۲۸). از سوی دیگر، هدف غایی و نهایی نیروهای مسلح در گام دوم انقلاب اسلامی، «بازدارندگی» است. لذا کار ویژه اصلی دیپلماسی دفاعی را می‌توان در تحقق و پیاده کردن راهبرد بازدارندگی و کاربرد آن در تعامل واحد سیاسی با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل دانست (مینایی و همکاران، ۱۳۹۳: ۴۶).

۲-۲-۳. مدیریت، مهندسی، اصلاح و بهبود محیط امنیتی: هنگامیکه سازمان های نظامی کشورها مناسبات و تعاملات دفاعی میان خود برقرار کنند در این صورت محیط امنیتی آن ها در شرایط مناسبی قرار خواهد گرفت. به تعبیری روابط دفاعی میان سازمان های نظامی کشورها نقش تعیین کننده ای در بهبود محیط امنیتی یعنی جلوگیری از فعالیت های زیان بار تهدیدکننده یا کاهنده دامنه ی صلح در منطقه خواهد داشت. به عبارتی گسترش عمیق و تقویت این روابط و مناسبات می تواند تغییر و تحول جدی در محیط پیرامونی ایجاد کند. به هر میزانی که دستگاه دفاعی تلاش کند تا کشورهای محیط پیرامونی خود را همسو کند به همان میزان می تواند در تأمین امنیت منطقه بسیار اثرگذار باشد. بنابراین مدیریت و مهندسی محیط راهبردی کشور یکی از راهبردهای مهم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران است (جعفری، ۱۳۹۸: ۷۰). تبدیل تهدیدهای بالفعل به تهدیدهای بالقوه و تهدیدهای قریب الوقوع به تهدیدهای بعیدالوقوع؛ انتقال کانون تهدید از نزدیک (از لحاظ مکانی) به دور؛ کاهش حجم نیروهای تهدیدکننده؛ کاهش پایگاه های نظامی تهدیدکننده؛ کمینه (تمدید نشدن) یا بیشینه (لغو پیمان های دفاعی امنیتی) تهدیدکننده و منعقد نشدن پیمان های دفاعی تهدیدکننده از جمله اقداماتی است که نهاد دفاعی کشور می تواند در این راستا از آن بهره برداری کند (عسگری، ۱۳۹۱: ۱۸).

در مناسبتی دیگر مقام معظم رهبری تلاش برای همگرایی میان کشورهای همسایه در جهت ارتقای ثبات و امنیت را مورد تأکید قرار داده و می فرمایند: «اعلام می کنیم کشورهای همسایه برادران ما هستند؛ دست دوستی و برادری ما به سوی این کشورها دراز است. به آن ها هیچ نیازی نداریم؛ این برادری، از روی نیاز نیست. ملت ایران ثابت کرده است که با توکل به خدا و با اعتماد به نفس بر مشکلات فائق می آید، اما ما اختلاف را برخلاف مصلحت دنیای اسلام می دانیم؛ لذا دست دوستی به سوی همه ی کشورها دراز کرده ایم... و این باید روزبه روز تقویت شود... امنیت این منطقه باید به وسیله ی دولت های این منطقه تأمین شود.» (بیانات در دیدار عمومی مردم لار، ۱۳۸۷/۲/۱۹). با توجه به رهنمودهای یادشده می توان گفت که دیپلماسی دفاعی باید در راستای بهبود محیط امنیتی (تهدیدزدایی، امنیت زایی و بازدارندگی) نقش های زیر را ایفا نماید:

الف) گسترش و تقویت روابط دفاعی با بازیگران بیرونی به منظور تأمین منافع ملی و بهبود شاخص های امنیت (امنیت سازی)؛

ب) جلوگیری از تشکیل ائتلاف علیه خود توسط بازیگران تهدیدکننده؛

ج) برقراری ارتباط با بازیگران مرتبط با مناقشه به عنوان میانجی برای پیش‌گیری از جنگ و یا حل و فصل اختلافات؛

د) همکاری‌گرایی امنیتی برای مقابله با برخی موضوعات مخاطره‌آفرین امنیتی از قبیل مقابله با تروریسم، مقابله با باندهای مواد مخدر و... (جعفری، ۱۳۹۸: ۷۱).

### نتیجه‌گیری

دیپلماسی دفاعی شباهت بسیاری با دیپلماسی سیاسی دارد، اما محتوای اصلی دیپلماسی دفاعی به جای مسائل سیاسی، دربرگیرنده مسائل نظامی، دفاعی و امنیتی است. دیپلماسی دفاعی به جای تکیه بر معلول به علت‌انگاری‌ها می‌پردازد و مبتنی بر اصل پیشگیری در مقابل درمان‌ابزاری تعیین‌کننده در معادلات جهانی است. کنشگری کشورها در سطح بین‌المللی، از وظایف دیپلماسی دفاعی است.

با توجه به تجربه نزدیک به نیم قرن از انقلاب اسلامی و بخصوص تجربه‌های جنگ تحمیلی (دوران دفاع مقدس) و تحریم‌های بین‌المللی نظام سلطه به رهبری ایالات متحده آمریکا و در گام دوم از انقلاب اسلامی، دیپلماسی دفاعی به عنوان ابزاری مؤثر در پیشبرد اهداف و سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران، در راستای اعتمادسازی، تنش‌زدایی، امنیت‌سازی و تولید قدرت محسوب می‌شود که در جهت مقابله با تهدیدهای پیرامون منطقه‌ای و خشی‌سازی آن‌ها، به بومی‌سازی و راهبرد بازدارندگی بر اساس اهدافی همچون فراهم کردن زمینه تأمین فناوری تجهیزات یا تسلیحات دفاعی، گسترش همکاری‌های دفاعی-نظامی با کشورها، توسعه تعاملات با نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، خلع سلاح و کنترل تسلیحاتی، اعتمادسازی در حوزه‌های نظامی و مبارزه با تروریسم روی آورده است.

با توجه به اهداف و راهبردها دیپلماسی دفاعی در گام دوم انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران باید به دنبال تقویت نقشش در ایجاد همان الگوی موفق باشد که انقلاب اسلامی را تا به این مرحله از قدرت رسانده است. بطور قطع تحقق این اهداف و راهبردها گامی مؤثر در تولید و زایش بیش از پیش قدرت ملی، نیل به ثبات و امنیت پایدار در فرایند گام دوم انقلاب اسلامی در مسیر تمدن‌سازی نوین خواهد بود.

## فهرست منابع

- ام. البوت، جفری و رجینالد، رابرت (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات سیاسی و استراتژیک، ترجمه میرحسین رییس زاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- انعامی علمداری، سهراب (۱۳۸۵). دیپلماسی دفاعی اروپا، راهبرد دفاعی، ۴(۱۴)، ۱۶۲-۱۲۹.
- پیر محمدی، سعید (۱۳۹۵). شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، سیاست دفاعی، ۲۴(۹۵)، ۹-۳۴.
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۸). نقش دیپلماسی دفاعی در امنیت پایدار مبتنی بر دیدگاه امام خامنه‌ای، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۱۷(۷۸)، ۸۸-۶۳.
- خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۹). مشتری برای سلاح‌های ایرانی هست؟، خبرگزاری ایسنا، کدخبر: <https://www.isna.ir/news/> ۲۹ مهرماه، مندرج در <https://www.isna.ir/news/>
- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، آیت‌الله العظمی سید علی (۱۳۹۶). بیانات در مراسم تنفیذ حکم دوازدهمین دوره ریاست جمهوری اسلامی ایران، ۱۲ مرداد.
- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، آیت‌الله العظمی سید علی (۱۳۹۱). بیانات در شانزدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد، ۹ شهریور ماه.
- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، آیت‌الله العظمی سید علی (۱۳۸۹). پیام به نخستین کنفرانس بین‌المللی خلع سلاح هسته‌ای و عدم اشاعه، ۲۸ فروردین ماه.
- خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، آیت‌الله العظمی سید علی (۱۳۸۷). بیانات در دیدار عمومی مردم لار، ۱۹ اردیبهشت ماه.
- دهقانی فیروزآبادی سیدجلال (۱۳۸۷). ضرورت‌ها و کارکرد دیپلماسی در سیاست خارجی توسعه‌گرا، مجموعه مقالات سیاست خارجی توسعه‌گرا، تهران: مرکز تحقیقات استراتژی مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۳۸۰-۳۶۲.
- ذوالفقاری، مهدی و خسروی، ایمان (۱۳۹۵). تحرک بخشی به دیپلماسی دفاعی در پرتو فرصت‌ها و تهدیدات برنامه اقدام سازمان ملل و تاثیر آن بر امنیت نظامی و دفاعی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۶(۲۲)، ۱۲۷-۱۰۱.
- ساعد، نادر (۱۳۸۹). دیپلماسی خلع سلاح در پرتو الزام‌های دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، راهبرد دفاعی، ۸(۳۰)، ۱۳۱-۱۰۱.
- عسگری، محمود و مینایی حسین (۱۳۹۲). دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهبد صیاد شیرازی.

قهرمانپور، رحمن (۱۳۸۵). اهداف و سطوح دیپلماسی دفاعی؛ مطالعه موردی ترکیه و مصر، راهبرد دفاعی، ۴(۱۴).

کالینز، جان ام (۱۳۷۰). استراتژی بزرگ (اصول و رویه‌ها)، ترجمه کورش بایندر، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه.

کوتی، اندرو و فورستر، آنتونی (۱۳۸۵). دیپلماسی دفاعی در اروپای شرقی و مرکزی، ترجمه سیدفتح‌الله پورموسوی، راهبرد دفاعی، ۴(۱۴).

متقی، ابراهیم (۱۳۸۵). فرایندهای تحول در ساختار و کارکرد دیپلماسی دفاعی آمریکا، راهبرد دفاعی، ۴(۱۴).

میرزائی، سیداحمد؛ غریب‌آبادی، کاظم و رضاییان پور، محمد هادی (۱۳۹۳). دیپلماسی دفاعی نوین انگلستان و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ۶(۲۱)، ۱-۲۹.

وحیدی، احمد (۱۳۸۹). دیپلماسی دفاعی در گفت‌وگوی اختصاصی با سردار احمد وحیدی، دیپلماسی دفاعی، ۱(۱).

Corcoran, Andrew J (2003), Assessing the Effectiveness of Defence Diplomacy, United Kingdom, Defence Science and Technology Laboratory.

Shea, Timothy, C. (2005), "Transforming, Military Diplomacy", JFQ: Joint Forces Quarterly, Issue 38, pp49-52.

UK, (1998), Defense Diplomacy, Ministry of Defense Policy Paper, available at: [http://tps://webarchive.nationalarchives.gov.uk/20121026065214/http://www.mod.uk/NR/rdonlyres/BB03F0E7-1F85-4E7B-B7EB4F0418152932/0/polpaper1\\_def\\_dip.pdf](http://tps://webarchive.nationalarchives.gov.uk/20121026065214/http://www.mod.uk/NR/rdonlyres/BB03F0E7-1F85-4E7B-B7EB4F0418152932/0/polpaper1_def_dip.pdf)